

"برخیز برادر، برخیز. قافله‌ی کربلا روانه
است و آواز جرس که از باطن ملکوتی
انسان بر می آید، عشاق حرم را فرا می
خواند. اما برادر، می‌دانی؟
حُب حسین در دلی بیدار می‌شود که از
خود و آنچه دوست دارد در راه خدا
گذشته باشد."

شهید سید مرتضی آوینی

باز این چپو رشن است که در خلق عالم است
باز این چپو رو عجز ز او چه ماتم است

عاشورا



سرانجام نامه کوفیان در بیانات امام خامنه‌ای
شیطان، دشمن پنهان عنوان دهه‌ی محرم امسال است،
ره‌چنان رو...

فصلک بی وفایی

سرانجام نامه های کوفیان

وقتی به اسامی کسانی که از کوفه برای امام حسین علیه السلام نامه نوشتند و او را دعوت کردند، نگاه می کنید، می بینید همه جزو طبقه های خواص و از زبندگان و برجستگان جامعه اند. تعداد نامه ها زیاد است. صدها صفحه نامه و شاید چندین خورجین یا بسته ی بزرگ نامه، از کوفه برای امام حسین علیه السلام فرستاده شد. همه ی نامه ها را بزرگان و اعیان و شخصیت های برجسته و نام و نشاندار و همان خواص نوشتند. منتها از مضمون و لحن نامه ها را که نگاه کنید، معلوم می شود از این خواص طرفدار حق، کدامها جزو دسته ای هستند که حاضرند دینشان را قربانی دنیایشان کنند و کدامها کسانی هستند که حاضرند دنیایشان را قربانی دینشان کنند. از تفکیک نامه ها هم می شود فهمید که عده ی کسانی که حاضرند دینشان را قربانی دنیا کنند، بیشتر است. نتیجه در کوفه آن می شود که مسلم بن عقیل به شهادت می رسد و از همان کوفه ای که هجده هزار شهروندش با مسلم بیعت کردند، بیست، سی هزار نفر یا بیشتر، برای جنگ با امام حسین علیه السلام به کربلا می روند! یعنی حرکت خواص، به دنبال خود، حرکت عوام را می آورد.

نمی دانم عظمت این حقیقت که برای همیشه گریبان انسانهای هوشمند را می گیرد، درست برای ما روشن می شود یا نه؟ ماجرای کوفه را لابد شنیده اید. به امام حسین علیه السلام نامه نوشتند و آن حضرت در نخستین گام، مسلمبن عقیل را به کوفه اعزام کرد. با خود اندیشید مسلم را به آن جا می فرستم. اگر خبر داد که اوضاع مساعد است، خود نیز راهی کوفه می شوم. مسلم بن عقیل به محض ورود به کوفه، به منزل بزرگان شیعه وارد شد و نامه ی حضرت را خواند. گروه گروه، مردم آمدند و همه، اظهار ارادت کردند. فرماندار کوفه، نعمان بن بشیر نام داشت که فردی ضعیف و ملایم بود. گفت: تا کسی با من سر جنگ نداشته باشد، جنگ نمی کنم. لذا با مسلم مقابله نکرد. مردم که جو را آرام و میدان را باز می دیدند، بیش از پیش با حضرت بیعت کردند. دو، سه تن از خواص جبهه ی باطل - طرفداران بنی امیه - به یزید نامه نوشتند که اگر می خواهی کوفه را داشته باشی، فرد شایسته ای را برای حکومت بفرست. چون نعمان بن بشیر نمی تواند در مقابل مسلمبن عقیل مقاومت کند. یزید هم عبیدالله بن زیاد، فرماندار بصره را حکم داد که علاوه بر بصره - به قول امروز با حفظ سمت - کوفه را نیز تحت حکومت خود در آور.

عبداللّه بن زیاد از بصره تا کوفه یکسره تاخت. در قضیه‌ی آمدن او به کوفه هم نقش خواص معلوم می‌شود، که اگر دیدم مجالی هست، بخشی از آن را برایتان نقل خواهم کرد. او هنگامی به دروازه‌ی کوفه رسید که شب بود. مردم معمولی کوفه - از همان عوامی که قادر به تحلیل نبودند - تا دیدند فردی با اسب و تجهیزات و نقاب بر چهره وارد شهر شد، تصوّر کردند امام حسین علیه‌السلام است. جلو دویدند

و فریاد السلام علیک یا بن رسول الله در فضا طنین افکند! ویژگی فرد عامی، چنین است. آدمی که اهل تحلیل نیست، منتظر تحقیق نمی‌شود. دیدند فردی با اسب و تجهیزات وارد شد. بی آن که یک کلمه حرف با او زده باشند، تصوّر غلط کردند. تا یکی گفت او امام حسین علیه‌السلام است همه فریاد امام حسین، امام حسین برآوردند! به او سلام کردند و مقدمش را گرامی داشتند؛ بی آن که صبر کنند تا حقیقت آشکار شود. عبداللّه هم اعتنائی به آنها نکرد و خود را به دارالاماره رساند و از همان جا طرح مبارزه با مسلم بن عقیل را به اجرا گذاشت. اساس کار او عبارت از این بود که طرفداران مسلم بن عقیل را با اشدّ فشار مورد تهدید و شکنجه قرار دهد. بدین جهت، هانی بن عروه را با غدّ و حیلّه به دارالاماره کشاند و به ضرب و شتم او پرداخت. وقتی گروهی از مردم در اعتراض به رفتار او دارالاماره را محاصره کردند، با توسل به دروغ و نیرنگ، آنها را متفرق کرد.

در این مقطع هم، نقش خواص به اصطلاح طرفدارِ حق که حق را شناختند و تشخیص دادند، اما دنیایشان را بر آن مرجّح دانستند، آشکار می‌شود. از طرف دیگر، حضرت مسلم با جمعیت زیادی به حرکت درآمد. در تاریخ «ابن اثیر» آمده است که گویی سی هزار نفر اطراف مسلم گرد آمده بودند. از این عدّه فقط چهار هزار نفر دو‌دوژ محلّ اقامت او ایستاده بودند و شمشیر به دست، به نفع مسلم بن عقیل شعار می‌دادند.

این وقایع، مربوط به روز نهم ذی‌الحجّه است. کاری که ابن زیاد کرد این بود که عده‌ای از خواص را وارد دسته‌های مردم کرد تا آنها را بترسانند. خواص هم در بین مردم می‌گشتند و می‌گفتند با چه کسی سر جنگ دارید؟! چرا می‌جنگید؟! اگر می‌خواهید در امان باشید، به خانه‌هایتان برگردید. اینها بنی‌امیه‌اند. پول و شمشیر و تازیانه دارند. چنان مردم را ترسانند و از گرد مسلم پراکنند که آن حضرت به وقت نماز عشا هیچ کس را همراه نداشت؛ هیچ کس! آن گاه ابن زیاد به مسجد کوفه رفت و اعلان عمومی کرد که همه باید به مسجد بیایند و نماز عشایشان را به امامت من بخوانند!

تاریخ می‌نویسد: مسجد کوفه مملو از جمعیتی شد که پشت سر ابن زیاد به نماز عشا ایستاده بودند. چرا چنین شد؟ بنده که نگاه می‌کنم، می‌بینم خواص طرفدارِ حق مقصرند و بعضی‌شان در نهایت بدی عمل کردند.

یک وقت یک حرکت بجا، تاریخ را نجات می‌دهد... وقتی که عبداللّه بن زیاد به رؤسای قبایل کوفه گفت بروید و مردم را از دور مسلم پراکنده کنید وگرنه پدرتان را در می‌آورم چرا امر او را اطاعت کردند؟! رؤسای قبایل که همه‌شان اموی نبودند و از شام نیامده بودند! بعضی از آنها جزو نویسندگان نامه به امام حسین علیه‌السلام بودند. شَبَث بن ربیع یکی از آنها بود که به امام حسین علیه‌السلام نامه نوشت و او را به کوفه دعوت کرد. همو، جزو کسانی است که وقتی عبداللّه گفت بروید مردم را از دور مسلم متفرّق کنید قدم پیش گذاشت و به تهدید و تطمیع و ترساندن اهالی کوفه پرداخت! چرا چنین کاری کردند؟! اگر امثال شَبَث بن ربیع در یک لحظه‌ی حساس، به جای این که از ابن زیاد بترسند، از خدا می‌ترسیدند، تاریخ عوض می‌شد. گیرم که عوام متفرّق شدند؛ چرا خواص مؤمنی که دور مسلم بودند، از او دست کشیدند؟ بین اینها افرادی خوب و حسابی بودند که بعضیشان بعداً در کربلا شهید شدند؛ اما این‌جا، اشتباه کردند. چه فایده؟! وقتی امام حسین علیه‌السلام کشته شد؛ وقتی فرزند پیغمبر از دست رفت؛ وقتی فاجعه اتفاق افتاد؛ وقتی حرکت تاریخ به سمت سرانگیختگی آغاز شد، دیگر چه فایده؟! تصمیم‌گیری خواص در وقت لازم، تشخیص خواص در وقت لازم، گذشت خواص از دنیا در لحظه‌ی لازم، اقدام خواص برای خدا در لحظه‌ی لازم. اینهاست که تاریخ و ارزشها را نجات می‌دهد و حفظ می‌کند

۱۳۷۵/۰۳/۲۰

بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)

عزاشد... محرم آمد ماه

همسفر اسلام

دوباره محرم شد و دوباره مسجدمان را سیاهی زدیم تا میزبان قدوم پرمهرت باشیم، دوباره بساط عزاداریمان را بپا کردیم تا در این منزل، میزبان چشمهای اشکبار و همسفر دل پُر غمت باشیم، خداوند مارا لایق این مصاحبت گرداند.

"فصل ملاقات" عنوان نشریه ایست که هم اکنون در دست داری، قرار است ۱۱ روز، آنچه که در این منزل موردنیازمان بوده را مختصراً تقدیم نگاهت کنیم، میدانی که، ما مسافر سفر بی نهایتیم، و "دراز است ره مقصد و مانو سفریم"

بخش اول این نشریه شامل بیانات راه بر ماست که هر روز برایمان از عاشورا خواهد گفت، از اینکه چه شد که اینگونه شد، چه شد که پسر پیغمبر را... چه شد که خواص جامعه... و چه شد که عوام هم...

برایت از شهیدان ۸ سال دفاع مقدس خواهیم گفت، از اینکه چه شد که خون شهدای ما در امتداد خون شهدای کربلا قرار گرفت، از اینکه آنها چه کردند که اصحاب آخرالزمانی سیدالشهدا شدند.

چند کلامی نیز از رهروان راه خواهیم گفت، از اینکه آنها چه بهره هایی از منزل محرم برده اند و چه نصیحتی برای رهپویان این راه دارند.

همچنین هر روز، خلاصه ای از مطالب شب قبل استاد ارجمند حضرت حجت الاسلام نخاوی را برایت می آوریم تا بتوانی مطالب شب قبل را در ذهنت مرور کنی.

حتماً میدانی که مباحث امسال استاد ارجمندمان ادامه ی مباحث ۲سال گذشته ی ایشان است در دهه ی اول محرم، بد نیست باهم مروری داشته باشیم بر مهم ترین محورهای بحث ایشان:

محرم ۹۰

عجیب ترین موضوع جهان عنوان بحثی بود که ۲ سال گذشته با هدف طرح و بررسی چستی مکانیزم های عمل شیطان در بعد فردی توسط استاد گرانقدر حجت الاسلام و المسلمین دکتر مهدی نخاوی طرح شد.

در واقع این مباحث پاشخ گوی سؤالات زیر بود:

چگونه می شود که دشمن ترین دشمن ام را مطیع می شوم؟

نقطه های نفوذ شیطان کجاست؟ شیطان چه هنری دارد؟

چه قدر قوت دارد؟ نقشه ها و ابزارهایش، اعوان و انصارش چیست؟

عجیب ترین موضوع جهان این است که کسی خداوند را نپذیرد!

چه می شود که انسانها این قدر تغییر می کنند؟

عجیب نیست انسان خودش را در غل و زنجیر بیندازد و خود را بسوزاند؟

چه مکانیزمی اتفاق می افتد که با آنکه انسان می داند تبعیت از شیطان عذاب ابدی بینهایت دارد ولی باز هم اطاعت می کند؟ آن هم نه معدود افراد بلکه کثیری از مردم؟

شیطان کیست؟ چه میکند؟ چگونه به هدف اش می رسد؟

این که تدارک عذاب ابدی با تبعیت از شیطان دور از عقل و منطق و روش معتدل هر انسان عاقلی است اما چار شایع، رایج و بلکه غالب است؟

مگر نه این است که شیطان سلطه ندارد و ضعیف است؛ پس این هم اغواگری انسانها چگونه است؟

چگونه مجرای عمل شیطان می شویم؟

انسان چگونه تغییر می کند؟

مکانیزم و سوسه چیست؟

با اینکه قلب ملکوتی است چرا عوالم ملکوتی را درک نمی کنیم؟

کار اصلی و مرکزی شیطان چیست؟

تفکرات، تصمیمات ارزشها، ضدارزشها بر نامه زندگی، طرحهای زندگی ما از کجا آمده؟ چقدر مطمئنیم که شیطان طراح آنها نیست؟

مهم ترین دافع شیطان چیست؟

سرگرمی ها و امور جذاب غیر ضروری، کنجاوی های علمی غیر مفید و ورزش های حرفه ای چه جایگاهی در زندگی ما دارد؟

دفع دشمن لازم است یا تحقیق درباره ظواهر دشمن (جن چیست؟

چگونه تولید مثل می کند و...؟)

اگر قاتل شروری قسم خورده باشد که هلاک ام می کند آیا در خانه ام را باز می گذارم؟ نسبت به شیطان چنین حسی ندارم؟ چرا در سی سال اخیر این قدر فعالیت های ضد دینی و هجمه به دین قوت و گسترش یافته است؟

محرم ۹۱

محرم ۹۱ نیز شاهد ادامه مباحث شناخت شیطان از جهت آگاهی از دشمن جهت تدارک استراتژی مقابله بودیم. شناختی از فعالیت های کلان شیطان در عرصه های جهانی؛ ابتدا علم. این مباحث نیز پاسخ گوی سؤالات زیر بود:

این کلمات چه ماهیتی دارند: شیطان، ابلیس و جن؟ رابطه انسان و شیطان چگونه است؟ خصوصاً داستان آدم و شیطان ابزارهای نفوذ و مراحل نفوذ شیطان؟ عملکرد کلان شیطان چگونه است؟ چگونه در فضای جهانی برنامه ریزی می کند که با یک تیر، هزاران نفر را بکشد؟ چگونه می توان سد راهش کرد؟ شیطان چیست و چرا باید درباره آن بدانیم؟ معنی جن، شیطان و ابلیس چیست و چه فرقی با هم دارند؟ هویت جن چیست؟ چه خصوصیتی دارد و در چه جایگاهی در این عالم قرار می گیرد؟ چرا خداوند شیطان را آفرید و چرا به او مهلت داد تا او مردم را گمراه کند؟ داستان ابلیس با حضرت آدم (ع) چه بود؟ آیا انسان و شیطان از ابتدا با هم دشمن بوده اند؟ آیا شیطان تنهاست و یا یاران و کارکنانی هم دارد؟ شیطان با چه ابزارهایی در وجود انسان نفوذ می کند و چگونه بر او تسلط می یابد؟ مراحل این تسلط چیست؟ تسلط شیطان بر انسان با چه شگردهایی انجام می شود؟ آیا عملکرد شیطان محدود به وجود فردی انسان است یا شئون کلان اجتماعی و حتی جهانی هم دارد؟ چطور می توان راه نفوذ و غلبه شیطان را بست؟ چرا خداوند به درخواست مهلت شیطان پاسخ داد؟ ابزارهای نفوذ شیطان چیست؟ مراحل نفوذش کدام است. چون شیطان در ابتدا بر انسان تسلط ندارد و فقط دعوت می کند. چه طور می شود که در نهایت بر انسان مسلط می شود؟ آیا علاوه بر فعالیت در زمینه فردی، شیطان در حوزه کلان و جهانی نیز کاری می تواند انجام دهد؟ چون اگر در جامعه یک کار انجام دهد بهره وری اش افزایش پیدا می کند. و در نهایت ما چه کنیم و چگونه راه های نفوذ شیطان را ببندیم؟ دانستن مکانیزم های عمل شیطان چه ضرورتی دارد؟ داستان برخورد شیطان با حضرت آدم علیه السلام چه بود؟ محکمت قرآن داستان حضرت آدم چیست؟ اگر شیطان بر فضای کلان علمی برخی رشته ها سلطه دارد ما چه وظیفه ای داریم؟ همه علوم را رها کنیم؟

محرم ۹۲

شیطان، دشمن پنهان عنوان دهه ی محرم امسال است، امسال نیز استاد عزیزمان به این سؤالات پاسخ خواهند داد:

عملکرد کلان شیطان چگونه است؟ چگونه در فضای جهانی برنامه ریزی می کند که با یک تیر، هزاران نفر را بکشد؟ آیا عملکرد شیطان محدود به وجود فردی انسان است یا شئون کلان اجتماعی و حتی جهانی هم دارد؟ اگر شیطان بر فضای کلان علمی برخی رشته ها سلطه دارد ما چه وظیفه ای داریم؟ همه علوم را رها کنیم؟ چرا فرضیه ای مانند داروین جهان شمول می شود و همه آن را می دانند و بسان قانونی می پذیرند؟ موضوعات اصلی در علم و مرزهای پیش رونده در دانش امروز ملزومات حیاتی بشرند؟ آیا صحنه سیاست بازیگران صرفاً با تفکرات انسانی دارد؟ تعاملات اقتصادی و نظریه های کلان و تاثیر گذار بر فضای اقتصاد جهانی از کجا نشأت می گیرد؟ چگونه سرگرمی های جذاب غیر ضروری انسانها را از نیازهای اصلی غافل می کند؟ هنر و بالاخص رسانه در دستان کیست؟ چگونه یک فرد به عنوان هنرمند در جهان مطرح می شود؟



ده چنان

عارف کامل و عاشق واصل، مرحوم میرزا جواد آقای ملکی تبریزی در کتاب شریف المراقبات، در باب توجهات و مستحباب ماه محرم مینویسد:

سزاوار است حال دوستان آل محمد - که رحمت خدا بر آنان باد - بحکم دوستی و وفا و ایمان به خداوند بلند مرتبه و بزرگ و رسول کریم، در دهه اول محرم تغییر نموده و در دل و سیمای خود، آثار اندوه و درد این مصیبت‌های بزرگ و دردناک را آشکار نمایند. باید مقداری از لذائذ زندگی را که از خوردن و نوشیدن و حتی خوابیدن و گفتن بدست می آید ترک نموده و مانند کسی باشند که پدر یا فرزند خود را از دست داده است. نباید احترام خود و نزدیکانشان باشد و لازم است که خدا و پیامبر و امامش - رحمت خداوند بر آنان باد - را بیش از خود، فرزندان و نزدیکانش دوست داشته باشد. خداوند متعال می فرماید: ((بگو اگر پدران و پسران خود را بیش از خدا و رسولش و جهاد در راه او دوست دارید، منتظر باشید تا خداوند مطلب مورد نظر خود را انجام داده (و شما پشیمان و زیانکار شوید)).

یکی از فرزندان کوچکم در دهه اول محرم فقط نان خالی و بدون خورش می خورد. و تا جایی که می دانم کسی به او نگفته بود که این کار را انجام دهد و گمان می کنم سرچشمه این کار دوستی باطنی او بود.

در دهه اول، هر روز امام حسین (علیه السلام) را با زیارت عاشورا زیارت نماید. و اگر می تواند مراسم عزاداری آن حضرت را در منزل خود با نیتی خالص برپا نماید، باید همین کار را بکند. و اگر نمی تواند، در مساجد یا منازل دوستانش به برپایی این مراسم کمک کرده و این مطلب را از مردم بپوشاند تا به اخلاص نزدیک شده و از خوندنمایی دور شود. و هر روز مقداری از اوقات خود را در مکانهای عمومی به عزاداری بپردازد.

مواست با امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت - رحمت خدا بر آنان باد - نیز باید بخاطر صدمات ظاهری که به آن حضرت وارد شد، باشد. ولی از این مطلب هم نباید غافل شد که صدمات ظاهری که بر آن حضرت (علیه السلام) وارد شد، در مورد هیچکدام از پیامبران و جانشینان آنان و حتی در مورد هیچیک از جهانیان شنیده نشده است؛ بخصوص تشنگی حضرت (علیه السلام) که در احادیث قدسی و غیر قدسی چیزهایی درباره آن آمده است که انسان توان تصور آن را نیز ندارد. همچنین مصیبت‌هایی مانند شهید شدن اهل بیت و اسارت حرمش، گویا او با محبوبش پیمان بسته بود بخاطر خوشنودی او کشته شدن را با انواع آن از قبیل سر بردن، کشتن از زیر گلو، کشتن با شکنجه و با گرسنگی و تشنگی و اندوه و غیر اینها، تحمل کند. ولی با این همه شادمانی و نشاطی بجهت آشکار شدن نورهای زیبایی و عظمت خداوند و شوق دیدار با او و رسیدن به ذات مقدسش به او می رسید که آن سختیها را آسان می نمود.

بلکه سختی آن را به لذت تبدیل می نمود. یکی از یاران او در این رابطه می گوید: هر چه شرایط بر امام (علیه السلام) سخت تر می گردید، سیمای او برافروخته تر و خوشحال تر می شد. ولی بهر حال درد و اندوه سختیها و مصیبت‌هایی که بر جسد مبارک حضرت (علیه السلام) و بر دل اهل بیت محترم او وارد شد و هتک حرمت ظاهری

او انسان را می کشد.

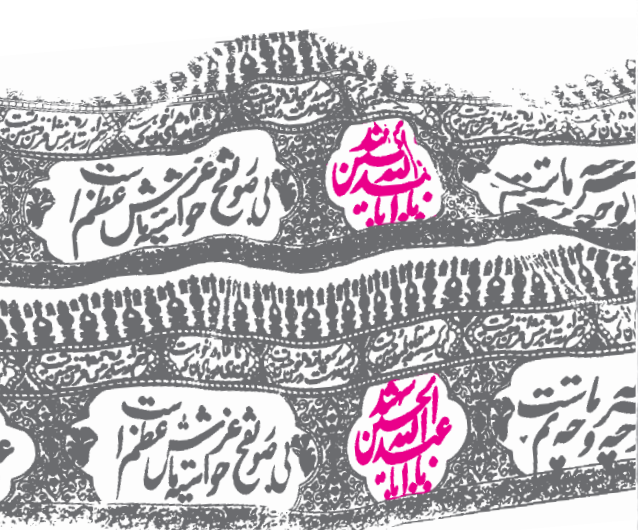
بنابر این دوستانتش باید کارهایی را که مناسب این مصیبت بزرگ است، بخاطر مواسات با آن حضرت (علیه السلام) در این مصیبت، انجام دهند؛ بگونه ای که گویا این مصیبت بر خود، عزیزان و فرزندان یا خویشان آنان وارده شده است. زیرا امام (علیه السلام) بفرموده جدش (صلی الله علیه و آله و سلم) سزاوارتر از آنان نسبت به خودشان می باشد و باین جهت که او این مصیبتها را پذیرفت و وجود شریف خود را فدای پیروان خود نمود تا آنها را از عذاب دردناک رهایی بخشد. فرزندان و عزیزان خود را یتیم نموده، به اسارت حرم و زنان، و زینب و سکینه - که سلام خدا بر آنان باد - رضایت داده و اصغر و اکبر و برادران و دودمان خود را سر برید، تا پیروانش را از گمراهی و پیروی گمراه کنندگانی که هلاکت شده و دیگران را به هلاکت می کشانند نجات داده و بدین وسیله آنان را از گناهان بزرگ و آتش رهایی بخشد؛ پیروانش را از تشنگی روز قیامت رهانیده و از نوشیدنیی که ظرف آن با مشک مهر شده است، به آنها بنوشاند. بنابر این بحکم وفا و مواسات که از صفات عالی انسانی است، لازم است که همان چیزی را که امام (علیه السلام) به آنان عنایت کرده است، آنان نیز به امام (علیه السلام) تقدیم نموده و همانگونه که امام (علیه السلام) خود را فدای آنها نمود آنان نیز خود را فدای او نمایند. و حتی اگر چنین کاری را نیز انجام بدهند باز هم بخوبی با او مواسات ننموده اند. زیرا وجود شریف او قابل مقایسه با دیگران نیست. باین جهت که او مانند پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و سلم، علت آفرینش تمام موجودات و آقا و سرور تمام مخلوقات و پیامبران و فرشتگان نزدیک به خداوند بوده و محبوب خداوند و محبوب محبوب اوست.

نیز با گفتاری صادقانه و با زبان حال بگوید: آقای من! کاش بجای تو تمام این بلاها بر سر من آمده و فدای تو می شدم! کاش خویشان و فرزندان من بجای خویشان و فرزندان تو کشته و اسیر می شدند! کاش تیر حرمه - که لعنت خدا بر او باد - سر شیرخوار مرا می برید! کاش فرزندم، علی بجای فرزند تو قطعه قطعه می شد! کاش جگر من از شدت تشنگی تکه تکه می شد! کاش از شدت تشنگی دنیا بر چشمم تیره و تار می شد! کاش من درد این جراحتها را تحمل می نمودم! کاش آن تیر به گلوی من می نشست! و جان مرا می گرفت! کاش خانواده و خواهران و دختران من در ذلت اسارت افتاده و آنها را مانند کنیزان در شهرها گردانده ولی خویشان تو در خواری و ذلت نمی افتادند! کاش وارد آتش شده و شکنجه می شدم ولی این مصیبتها به شما وارد نمی شد.

اگر این سخنان را صادقانه بگویی، تو را پذیرفته و بخاطر مواسات راستین با بزرگوارترین سادات تو را در جایگاه راستگویان با آنان همنشین می گرداند. ولی جدا از فریبکاری با این سخنان بپرهیز زیرا ممکن است وقتی می گویی: حاضریم این بلاها را بجای امام (علیه السلام) تحمل نمایم، حال و دل تو بمقدار کمتر از یک صدم آن را هم تصدیق نکرده و در موقع امتحان جز مقدار کمی از این ادعاها قبول نشود. و در این صورت بجای این که به جایگاه صدق و درجه صدیقین برسی به ذلت دروغ و پایینترین درجات منافقین می رسی. پس اگر می بینی که نمی توانی این گونه با امام (علیه السلام) مواسات نمایی، ادعاهای دروغ را از خود دور کرده و خود را خوار نکن و فقط بگو: کاش با تو بوده، در مقابل تو کشته شده و به سعادت بزرگی می رسیدم. و اگر می بینی باین مقدار هم معتقد نیستی، مرض دل خود را که همان دوستی این دنیای پست و میل و اعتماد به زندگی آن و فریب خوردن به زیباییهای آن است، معالجه کرده و این فرمایش خداوند متعال را بخوان: ((ای یهود! اگر گمان می کنید فقط شما دوستان خدایید و اگر راست می گویید، آرزوی مرگ کنید.))

در اعمال این ماه آمده است: "زیارت عاشورا" را در محرم ترک نکنند و در جلسات روضه و عزاداری شرکت کنند. به یاد عطش و مصائب خاندان رسول الله (ص) در روز عاشورا باشند و نسبت به سیدالشهدا (ع) اعلام همدردی کنند. اردادتمندان امام حسین (ع) دعای اول ماه محرم - که اول سال قمری است - را بخوانند و نماز شب اول ماه را به جای آورند.

المراقبات (آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی ره) با تلخیص



باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین
بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

این صبح تیره باز میداز کجاکزو
کار جهان و خلق جهان جمله در هم است

گویا طلوع می کند از مغرب آفتاب
کاشوب در تمامی ذرات عالم است

گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست
این رستخیز عام که نامش محرم است

در بارگاه قدس که جای ملال نیست
سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است

جن و ملک بر آد میان نوحه می کنند
گویا عزای اشرف اولاد آدم است



"بحث لقاءالله و ملاقات با خداست هدف آفرینش بشر و هدف «انک کادح الی ربک کدحا»-همه این تلاش ها و زحمت ها همین است که «فملاقیه» ملاقات کند. اگر کسی موطن در لقاء الله است. و بر لقاء الله توطین نفس کرده است «فلیرح معنا» باید با حسین راه بیفتد نمی شود توی خانه نشست. نمی شود به دنیا و تمتعات دنیا چسبید و از راه حسین غافل شد. باید راه بیفتیم. این راه افتادن از درون و از نفس ما، با تهذیب نفس شروع می شود و به سطح جامعه و جهان می کشد"



www.gofteman-bartar.ir



موسسه فرهنگی
مذهبی راه حق

